



جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی

شکوفه ایرانپور

کارشناسی مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، ناحیه ۲ اصفهان

shekoufeiranpour@gmail.com



MDOI-02-2026.0439
MNR-453-2-2D1CDB

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی انجام شده است. در شرایط کنونی، نظام آموزشی علاوه بر انتقال دانش و مفاهیم علمی، مسئولیت مهمی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی زندگی بر عهده دارد. مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، ارتباط مؤثر، همدلی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، مدیریت هیجانات، همکاری و مسئولیت‌پذیری از جمله توانایی‌هایی هستند که می‌توانند زمینه رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را فراهم کنند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر بررسی اسنادی و تحلیل محتوا است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی منابع علمی، اسناد برنامه درسی و محتوای مرتبط با مطالعات اجتماعی و مهارت‌های زندگی گردآوری و بر اساس مؤلفه‌های اصلی مهارت‌های زندگی و اجتماعی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد که درس مطالعات اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم با موضوعاتی مانند خانواده، جامعه، فرهنگ، قانون، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی و شهروندی، ظرفیت بالایی برای آموزش مهارت‌های زندگی دارد. با این حال، میزان توجه به مؤلفه‌های مختلف مهارت‌ها در محتوای برنامه درسی یکسان نیست و برخی مهارت‌ها، به‌ویژه تفکر انتقادی، حل مسئله، همکاری و مشارکت اجتماعی، حضور بیشتری نسبت به مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، ارتباط مؤثر و مدیریت هیجانات دارند. همچنین مشخص شد که روش‌های تدریس فعال، فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش، بحث و گفت‌وگو و حل مسائل واقعی می‌توانند نقش مهمی در تبدیل آموزش نظری مهارت‌ها به توانایی‌های عملی داشته باشند. بر اساس نتایج، بازنگری در محتوای برنامه درسی، ایجاد توازن میان مؤلفه‌های مختلف مهارت‌های زندگی، توانمندسازی معلمان و استفاده از روش‌های تدریس و ارزشیابی مهارت‌محور ضروری است. در مجموع، توجه هدفمند به مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌تواند زمینه تربیت دانش‌آموزانی مسئول، توانمند، مشارکت‌جو و آماده برای زندگی فردی و اجتماعی را فراهم سازد.

کلمات کلیدی: مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی، مطالعات اجتماعی، برنامه درسی، تربیت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، تربیت شهروندی

مقدمه



آموزش و پرورش در دنیای امروز تنها به انتقال مفاهیم و اطلاعات علمی محدود نمی‌شود، بلکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های آن، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی فردی، اجتماعی و مسئولانه در جامعه است. دانش‌آموزان برای موفقیت در زندگی آینده، علاوه بر دانش تخصصی، به مجموعه‌ای از مهارت‌ها نیاز دارند که آنان را در برقراری ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، حل مسئله، کنترل هیجانات، شناخت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی و سازگاری با تغییرات محیطی توانمند سازد. از این منظر، مهارت‌های زندگی و اجتماعی جایگاه مهمی در فرایند تعلیم و تربیت پیدا کرده‌اند و آموزش آن‌ها باید به صورت هدفمند در برنامه‌های درسی مدارس مورد توجه قرار گیرد. مطالعات اجتماعی از جمله درس‌هایی است که به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای و ارتباط مستقیم با زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، ظرفیت مناسبی برای آموزش و تقویت این مهارت‌ها دارد.

مطالعات اجتماعی دانش‌آموزان را با مفاهیمی همچون جامعه، خانواده، فرهنگ، قانون، مسئولیت‌پذیری، حقوق شهروندی، همکاری، مشارکت اجتماعی و روابط انسانی آشنا می‌کند و زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا آنان جامعه پیرامون خود را بهتر بشناسند. هدف این درس صرفاً حفظ کردن مفاهیم تاریخی، جغرافیایی یا اجتماعی نیست، بلکه می‌تواند دانش‌آموزان را به سمت درک روابط اجتماعی و مشارکت آگاهانه در جامعه هدایت کند. هنگامی که محتوای مطالعات اجتماعی با موقعیت‌های واقعی زندگی پیوند داده شود، دانش‌آموز فرصت می‌یابد آموخته‌های خود را در موقعیت‌های مختلف به کار گیرد و مهارت‌هایی مانند گفت‌وگو، همکاری، همدلی، تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری و حل تعارض را در عمل تمرین کند (شریعتمداری، ۱۳۹۸).

اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات سریع اجتماعی، گسترش فناوری‌های ارتباطی، افزایش تعاملات مجازی و پیچیده‌تر شدن روابط انسانی بیشتر شده است. دانش‌آموز امروزی با موقعیت‌هایی روبه‌روست که نیازمند قدرت انتخاب، تحلیل اطلاعات، مدیریت هیجانات و برقراری ارتباط سالم با دیگران است. بنابراین، مدرسه باید علاوه بر انتقال دانش، محیطی فراهم کند که دانش‌آموزان در آن بتوانند مهارت‌های مورد نیاز زندگی را تجربه و تمرین کنند. سازمان جهانی بهداشت نیز مهارت‌هایی مانند تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق و نقدانه، ارتباط مؤثر، همدلی و مدیریت هیجانات را از مهارت‌های اساسی برای زندگی مؤثر معرفی کرده است (WHO, 1997).

برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌تواند از طریق روش‌های تدریس فعال، بحث گروهی، ایفای نقش، حل مسئله، مطالعه موردی، فعالیت‌های مشارکتی و بررسی مسائل واقعی جامعه، فرصت مناسبی برای پرورش مهارت‌های زندگی و اجتماعی ایجاد کند. در چنین رویکردی، دانش‌آموز از یک دریافت‌کننده منفعل اطلاعات به یادگیرنده‌ای فعال تبدیل می‌شود که در فرایند یادگیری مشارکت می‌کند و برای مسائل فردی و اجتماعی راحل ارائه می‌دهد. همچنین، فعالیت‌های گروهی در این درس می‌توانند زمینه تقویت مسئولیت‌پذیری، احترام به دیدگاه‌های متفاوت، تحمل تفاوت‌ها، همکاری و مشارکت اجتماعی را فراهم سازند (صافی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، جایگاه مهارت‌های زندگی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی با اهداف تربیت شهروندی نیز ارتباط مستقیمی دارد. جامعه برای پیشرفت و پایداری خود به افرادی نیاز دارد که ضمن شناخت حقوق خود، نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خویش نیز آگاه باشند و بتوانند در تصمیم‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مشارکت سازنده داشته باشند. از این رو، توجه به مهارت‌های زندگی و اجتماعی در مطالعات اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری شهروندانی آگاه، مسئول، مشارکت‌جو و دارای توانایی برقراری ارتباط سالم کمک کند. بر این اساس، بررسی جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی اهمیت فراوانی دارد؛

بیان مسئله



تحولات گسترده اجتماعی، فرهنگی و فناوری در دهه‌های اخیر موجب شده است که نقش مدرسه در تربیت دانش‌آموزان از انتقال صرف دانش و اطلاعات فراتر رود و پرورش توانایی‌های لازم برای زندگی فردی و اجتماعی نیز به یکی از اهداف اساسی نظام‌های آموزشی تبدیل شود. دانش‌آموزان برای حضور موفق و مسئولانه در جامعه، تنها به دانش نظری نیاز ندارند، بلکه باید مهارت‌هایی مانند برقراری ارتباط مؤثر، همکاری، همدلی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، مدیریت هیجانات، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را نیز کسب کنند. از این رو، توجه به مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه‌های درسی مدارس، ضرورتی تربیتی و اجتماعی محسوب می‌شود. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه برنامه درسی مهارت‌های زندگی نیز بر ضرورت توجه همزمان به اهداف و محتوای برنامه درسی برای پرورش مهارت‌هایی مانند مهارت‌های شهروندی، تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و مهارت‌های فردی و اجتماعی تأکید کرده‌اند (عزیزی فارسانی، سعادت‌مند و نادی، ۱۴۰۱).

در میان دروس مختلف مدرسه، مطالعات اجتماعی از ظرفیت ویژه‌ای برای آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی برخوردار است؛ زیرا موضوعات این درس مستقیماً با زندگی فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان ارتباط دارد. مفاهیمی مانند خانواده، جامعه، قانون، حقوق و مسئولیت‌ها، فرهنگ، شهروندی، همکاری، مشارکت و روابط اجتماعی، فرصت مناسبی ایجاد می‌کنند تا دانش‌آموزان علاوه بر کسب دانش، چگونگی استفاده از این دانش را در موقعیت‌های واقعی زندگی نیز بیاموزند. به همین دلیل، مطالعات اجتماعی می‌تواند بستری برای تقویت توانایی‌هایی همچون تصمیم‌گیری، حل مسئله، مشارکت اجتماعی، ارتباط با دیگران و زندگی مسالمت‌آمیز فراهم کند. بررسی محتوای مطالعات اجتماعی نیز نشان داده است که این درس ظرفیت قابل توجهی برای پرورش مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در زندگی فردی و اجتماعی دارد (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۱).

با وجود این ظرفیت، مسئله اساسی آن است که آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی تا چه اندازه به صورت هدفمند، منسجم و کاربردی مورد توجه قرار گرفته است. ممکن است میان اهداف رسمی برنامه درسی و آنچه در محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت‌های یادگیری و فرایند تدریس در کلاس تحقق می‌یابد، فاصله وجود داشته باشد. برای مثال، ممکن است در اهداف برنامه بر پرورش شهروند مسئول، مشارکت‌جو و دارای توانایی تفکر تأکید شود، اما فرصت کافی برای تمرین عملی این مهارت‌ها در فرایند یاددهی - یادگیری فراهم نشود. یافته‌های برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که میزان توجه به برخی مهارت‌ها در اهداف برنامه درسی بیشتر از میزان حضور و انعکاس آن‌ها در محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی است؛ موضوعی که ضرورت بازنگری در نحوه ارائه و اجرای این مهارت‌ها را نشان می‌دهد (پیروی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، در شرایط کنونی، دانش‌آموزان با مسائل و موقعیت‌های اجتماعی پیچیده‌تری مواجه هستند. گسترش فضای مجازی، تغییر الگوهای ارتباطی، افزایش تنوع فرهنگی و اجتماعی و ضرورت مشارکت آگاهانه در جامعه، اهمیت برخورداری از مهارت‌های اجتماعی و زندگی را افزایش داده است. در چنین شرایطی، دانش‌آموزی که صرفاً اطلاعات اجتماعی را حفظ کرده باشد، الزاماً قادر نیست در موقعیت‌های واقعی تصمیم مناسب بگیرد، با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کند، تعارض‌ها را مدیریت نماید یا مسئولیت اجتماعی خود را به درستی ایفا کند. بنابراین، برنامه درسی مطالعات اجتماعی باید از سطح انتقال مفاهیم فراتر رفته و زمینه تجربه، تمرین و کاربرد مهارت‌های اجتماعی را فراهم آورد. در رویکردهای جدید آموزش مطالعات اجتماعی نیز تأکید بر تربیت دانش‌آموزانی است که علاوه بر دانش، از مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم برای مشارکت فعال و آگاهانه در جامعه برخوردار باشند.

در این میان، روش تدریس معلم نیز اهمیت زیادی دارد. حتی اگر محتوای کتاب درسی حاوی مفاهیم مرتبط با مهارت‌های زندگی باشد، استفاده از روش‌های سنتی و انتقال یکسویه مطالب می‌تواند فرصت تمرین مهارت‌هایی مانند گفت‌وگو، همکاری، حل مسئله و تصمیم‌گیری را محدود کند. در مقابل، استفاده از بحث گروهی، ایفای نقش، فعالیت‌های مشارکتی، حل مسائل واقعی، کاربرگ‌ها و موقعیت‌های یادگیری تعاملی می‌تواند دانش‌آموزان را در موقعیت‌هایی قرار دهد که مهارت‌های اجتماعی را به صورت عملی تجربه کنند. همچنین، برنامه درسی پنهان مدرسه و نحوه تعامل معلم و دانش‌آموز



نیز می‌تواند در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی نقش داشته باشد؛ بنابراین، پرورش این مهارت‌ها نباید صرفاً به محتوای کتاب درسی محدود شود (نجات، ۱۳۹۸).

از منظر مطالعات بین‌المللی نیز ارتباط میان برنامه درسی مطالعات اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. یک مطالعه تطبیقی درباره برنامه‌های مطالعات اجتماعی در کانادا و ترکیه نشان داد که اگرچه میزان و نوع حضور مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی این کشورها متفاوت است، برخی مهارت‌های اجتماعی در اهداف و نتایج یادگیری هر دو نظام آموزشی جایگاه قابل توجهی دارند (Güllühan & Bekiroğlu, 2022). همچنین پژوهش‌های جدیدتر درباره برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهند که حوزه‌هایی مانند زندگی مشترک، دموکراسی، اقتصاد، فناوری و میراث مشترک می‌توانند بستر مناسبی برای پرورش مهارت‌های زندگی فراهم کنند (Kuloğlu & Özer, 2026).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با وجود ظرفیت بالای درس مطالعات اجتماعی برای تربیت اجتماعی دانش‌آموزان، جایگاه واقعی آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی این درس تا چه اندازه مطلوب و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان است و چه مؤلفه‌هایی از مهارت‌های زندگی و اجتماعی باید در اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد. بررسی این مسئله می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های موجود کمک کرده و زمینه‌ای برای تقویت برنامه درسی مطالعات اجتماعی در جهت تربیت دانش‌آموزانی توانمند، مسئول، مشارکت‌جو و آماده برای مواجهه با مسائل واقعی زندگی فراهم سازد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، موضوع آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه‌های درسی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مدرسه و برنامه درسی، علاوه بر انتقال دانش، باید زمینه رشد توانایی‌هایی را فراهم کنند که دانش‌آموزان برای مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی زندگی به آن‌ها نیاز دارند. در این میان، درس مطالعات اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم با مفاهیمی مانند جامعه، خانواده، شهروندی، مسئولیت‌پذیری، همکاری، قانون و روابط انسانی، از ظرفیت ویژه‌ای برای پرورش این مهارت‌ها برخوردار است.

در پژوهشی با عنوان «مهارت اجتماعی، زندگی آینده» که با هدف بررسی میزان توجه به مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم انجام شده است، بیان شده که درس مطالعات اجتماعی بستر مناسبی برای پرورش مهارت‌های زندگی اجتماعی است و می‌تواند در تقویت تصمیم‌گیری فردی، مشارکت اجتماعی و توانایی باهم‌زیستن دانش‌آموزان نقش داشته باشد. همچنین در این پژوهش، مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، همدلی، تفکر انتقادی، حل مسئله، مشارکت و همکاری و ارتباط مؤثر به عنوان مهارت‌های مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که میزان توجه به مهارت‌های اجتماعی در اهداف برنامه درسی و محتوای کتاب‌های درسی یکسان نیست و در برخی موارد میان اهداف مصوب و محتوای ارائه‌شده فاصله وجود دارد (محمدی، ۱۳۹۴؛ پیروی، ۱۳۹۱).

کوهی صومعه، بقایی و دانشور هریس در پژوهشی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه اول بر اساس مهارت‌های قرن بیست و یکم» به بررسی ارتباط برنامه درسی علوم اجتماعی با مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در قرن بیست و یکم پرداخته‌اند. این پژوهش بر ضرورت توجه برنامه درسی علوم اجتماعی به مجموعه‌ای از مهارت‌های جدید تأکید دارد و نشان می‌دهد که برنامه درسی این حوزه باید متناسب با نیازهای متغیر جامعه و توانایی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان طراحی شود. توجه به مهارت‌های قرن بیست و یکم در این رویکرد، مطالعات اجتماعی را از یک درس صرفاً محتوایی به بستری برای رشد توانایی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان تبدیل می‌کند (کوهی صومعه، بقایی و دانشور هریس، ۱۴۰۴).



در پژوهشی دیگر، به بررسی برنامه درسی از منظر تقویت سرمایه اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پرداخته شده است. نتایج این پژوهش بر ضرورت طراحی برنامه درسی جامع برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای یاری‌گرانه، روابط بین‌فردی و مشارکت اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، مهارت‌های اجتماعی زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که به صورت نظام‌مند در برنامه درسی گنجانده شوند و صرفاً به فعالیت‌های پراکنده و غیررسمی مدرسه محدود نباشند (بهرامی، ملکی و قادری، ۱۴۰۴).

در مجموع، پیشینه پژوهش‌های فارسی نشان می‌دهد که مطالعات اجتماعی ظرفیت بالایی برای پرورش مهارت‌های زندگی، اجتماعی و شهروندی دارد، اما میزان توجه به این مهارت‌ها در اهداف، محتوا و فعالیت‌های آموزشی همواره یکسان و مطلوب نیست. بنابراین، ضرورت دارد برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی و معلمان به صورت هماهنگ، آموزش مهارت‌های زندگی را در فرایند یاددهی - یادگیری مطالعات اجتماعی تقویت کنند.

در پژوهش‌های انگلیسی‌زبان نیز ارتباط میان آموزش مطالعات اجتماعی و مهارت‌های زندگی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است Güllühan و (2022) Bekiroğlu در پژوهشی تطبیقی، برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی کانادا و ترکیه را از نظر مهارت‌های اجتماعی بررسی کردند. این پژوهش با استفاده از تحلیل اسناد نشان داد که اگرچه فراوانی و میزان حضور مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی دو کشور متفاوت است، انواع مهارت‌های اجتماعی مورد تأکید در دوره ابتدایی در هر دو نظام آموزشی شباهت‌هایی دارند. این یافته بیانگر آن است که مطالعات اجتماعی می‌تواند در کنار انتقال دانش اجتماعی، زمینه پرورش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان را نیز فراهم کند.

McGuire، Morris و Walker (2017) در پژوهشی با عنوان «ادغام مطالعات اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان دارای مشکلات هیجانی و رفتاری» تأثیر تلفیق یادگیری اجتماعی - هیجانی با آموزش مطالعات اجتماعی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که ادغام فرصت‌های یادگیری اجتماعی و هیجانی در فعالیت‌های معنادار و برنامه‌ریزی‌شده مطالعات اجتماعی می‌تواند امکان یادگیری و تمرین مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی را برای دانش‌آموزان فراهم کند. همچنین، استفاده از آموزش مبتنی بر کاوش و فعالیت‌های معنادار می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند مهارت‌های اجتماعی را در موقعیت‌های واقعی‌تر تمرین و تعمیم دهند. (Morris, McGuire, & Walker, 2017).

Bekiroğlu و Güllühan (2022) نیز در یک مطالعه فراتحلیلی، ۱۰۱ پژوهش انجام‌شده در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ درباره مهارت‌های زندگی در درس‌های مطالعات اجتماعی و مطالعات زندگی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که در پژوهش‌های مورد بررسی، بیشترین توجه به مهارت‌های پایه اختصاص داشته است و در مقابل، برخی مهارت‌های مرتبط با زندگی شغلی و مهارت‌های شخصی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نویسندگان بر ضرورت گسترش پژوهش‌ها درباره ابعاد مختلف مهارت‌های زندگی در درس مطالعات اجتماعی تأکید کرده‌اند تا این درس بتواند بهتر با هدف تربیت افراد برخوردار از ویژگی‌های مورد نیاز قرن بیست و یکم هماهنگ شود.

Mathé، Isaksen و Brevik (2025) Guðmundsdóttir در مطالعه‌ای درباره آموزش مهارت‌های زندگی در کلاس‌های دوره متوسطه، نحوه تلفیق مهارت‌های زندگی با آموزش زبان انگلیسی و علوم اجتماعی را بررسی کردند. این پژوهش با مشاهده ۱۸ کلاس درس در مدارس متوسطه نروژ نشان داد که مهارت‌های زندگی در کلاس‌های علوم اجتماعی نیز مطرح می‌شوند، اما میزان حضور آن‌ها با سایر دروس متفاوت است. پژوهشگران بر اهمیت ایجاد فرصت‌های واقعی در کلاس برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت مواجهه با چالش‌های شخصی، اجتماعی و آینده تأکید کردند (Isaksen et al., 2025).

در پژوهشی جدیدتر، Kuloğlu و Özer (2026) برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم را در چارچوب مهارت‌های زندگی بررسی کردند. آنان ۱۹ پیامد یادگیری و ۶۶ مؤلفه فرایندی را در شش حوزه یادگیری مورد تحلیل قرار دادند و نشان دادند که حوزه‌هایی مانند با هم زیستن، دموکراسی، اقتصاد، فناوری و علوم اجتماعی می‌توانند زمینه مناسبی برای پرورش



مهارت‌های زندگی باشند. این یافته بر اهمیت گنجاندن مهارت‌های زندگی در ساختار رسمی برنامه درسی مطالعات اجتماعی تأکید می‌کند.

همچنین Hvalby، Guldbrandsen و Fandrem (2024) در یک مرور نظام‌مند دامنه‌ای، پژوهش‌های مربوط به آموزش مهارت‌های زندگی در آموزش عمومی را طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده افزایش توجه نظام‌های آموزشی به مفهوم مهارت‌های زندگی و ضرورت روشن‌تر شدن مؤلفه‌ها و نحوه آموزش آن‌ها در مدرسه است.

بررسی مجموع مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اگرچه اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در مدرسه مورد تأکید قرار گرفته است، هنوز نیاز به بررسی دقیق جایگاه این مهارت‌ها در برنامه درسی مطالعات اجتماعی وجود دارد. بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، شناسایی مهارت‌ها یا بررسی برنامه‌های درسی خاص تمرکز داشته‌اند و در برخی موارد میان اهداف برنامه درسی و میزان انعکاس مهارت‌ها در محتوای آموزشی فاصله مشاهده شده است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر «جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی» می‌تواند ضمن جمع‌بندی یافته‌های مطالعات پیشین، تصویری روشن‌تر از ظرفیت‌ها، کاستی‌ها و ضرورت‌های موجود در این زمینه ارائه دهد و مبنایی برای تقویت برنامه درسی مطالعات اجتماعی در جهت تربیت دانش‌آموزانی توانمند، مسئول، مشارکت‌جو و آماده برای زندگی اجتماعی فراهم سازد.

تعریف و اهمیت موضوع

مهارت‌های زندگی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و شایستگی‌هایی گفته می‌شود که فرد را قادر می‌سازد با نیازها، چالش‌ها و موقعیت‌های مختلف زندگی به شیوه‌ای سازگارانه و مؤثر مواجه شود. این مهارت‌ها تنها به توانایی‌های فردی محدود نمی‌شوند، بلکه ابعاد ارتباطی، عاطفی، شناختی و اجتماعی زندگی انسان را نیز دربرمی‌گیرند. خودآگاهی، همدلی، برقراری ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و مدیریت هیجانات از جمله مهم‌ترین مهارت‌هایی هستند که زمینه سازگاری بهتر فرد با محیط و برقراری روابط سالم با دیگران را فراهم می‌کنند. در واقع، برخورداری از این مهارت‌ها به دانش‌آموز کمک می‌کند تا آموخته‌های خود را از سطح دانش نظری به موقعیت‌های واقعی زندگی انتقال دهد و در برابر مسائل فردی و اجتماعی، واکنش آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تری داشته باشد (World Health Organization, 1997).

مهارت‌های اجتماعی نیز بخش مهمی از مهارت‌های زندگی محسوب می‌شوند و به توانایی فرد برای برقراری ارتباط مناسب با دیگران، همکاری، مشارکت، رعایت حقوق دیگران، پذیرش تفاوت‌ها، حل تعارض و ایفای نقش مؤثر در گروه و جامعه اشاره دارند. این مهارت‌ها از دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و مدرسه یکی از مهم‌ترین محیط‌های پرورش آن‌هاست. دانش‌آموز در مدرسه علاوه بر یادگیری مطالب درسی، از طریق تعامل با معلم و همکلاسی‌ها، فعالیت‌های گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی، شیوه ارتباط و همکاری با دیگران را می‌آموزد. بنابراین، برنامه درسی مدرسه باید فرصت‌هایی برای تجربه و تمرین این مهارت‌ها فراهم کند.

در این میان، مطالعات اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا ماهیت این حوزه یادگیری با شناخت انسان، جامعه، محیط اجتماعی و فرهنگی و روابط میان افراد و گروه‌ها ارتباط دارد. هدف آموزش مطالعات اجتماعی صرفاً انتقال اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و مدنی نیست، بلکه تربیت اجتماعی دانش‌آموز و آماده‌سازی او برای زندگی مسئولانه در جامعه نیز از اهداف اساسی آن به شمار می‌رود. در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، مهارت‌هایی مانند مشارکت، برقراری ارتباط، کاوش و بررسی، اظهارنظر، تفکر و خلاقیت مورد توجه قرار گرفته‌اند و فعالیت‌های آموزشی می‌توانند زمینه تقویت این توانایی‌ها را فراهم کنند (فلاحیان، ۱۳۹۹).



اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در مطالعات اجتماعی از آن جهت است که دانش‌آموز باید بتواند مفاهیم آموخته‌شده را در زندگی واقعی به کار گیرد. برای مثال، آشنایی با مفهوم مسئولیت اجتماعی زمانی ارزشمند است که دانش‌آموز بتواند در محیط مدرسه و جامعه رفتاری مسئولانه داشته باشد؛ یا آموزش مفهوم همکاری زمانی به هدف خود نزدیک می‌شود که دانش‌آموز در فعالیت‌های گروهی، تقسیم مسئولیت و مشارکت با دیگران را تجربه کند. از این منظر، آموزش مطالعات اجتماعی می‌تواند میان دانش مدرسه‌ای و تجربه واقعی زندگی ارتباط برقرار کند. پژوهش‌های انجام‌شده درباره محتوای کتاب مطالعات اجتماعی نیز نشان داده‌اند که این درس ظرفیت مناسبی برای تقویت مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، مشارکت و همکاری، حل مسئله، خودآگاهی و ارتباط با دیگران دارد، هرچند میزان توجه به این مهارت‌ها در بخش‌های مختلف محتوا یکسان نیست (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، اهمیت مهارت‌های زندگی در شرایط کنونی به دلیل تغییرات سریع اجتماعی و فناوری افزایش یافته است. دانش‌آموزان امروزی با حجم گسترده‌ای از اطلاعات، ارتباطات مجازی، تفاوت‌های فرهنگی و موقعیت‌های پیچیده تصمیم‌گیری مواجه هستند. در چنین شرایطی، حفظ کردن اطلاعات به تنهایی نمی‌تواند آنان را برای زندگی آینده آماده کند؛ بلکه باید توانایی تحلیل موقعیت، تشخیص درست و نادرست، گفت‌وگو، تصمیم‌گیری، حل مسئله و برقراری روابط سالم را نیز کسب کنند. به همین دلیل، برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از بسترهای اصلی تربیت شهروندی، زمینه رشد این توانایی‌ها را فراهم سازد.

اهمیت دیگر موضوع به نقش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بازمی‌گردد. دانش‌آموزی که از خودآگاهی، کنترل هیجانات، مهارت ارتباطی، حل مسئله و تصمیم‌گیری مناسب برخوردار باشد، در مواجهه با فشار همسالان، تعارض‌های خانوادگی و اجتماعی و موقعیت‌های پرخطر، احتمالاً توانایی بیشتری برای انتخاب رفتار مناسب خواهد داشت. از همین رو، در اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی بر شناخت حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، تقویت ارتباطات مؤثر، گسترش بهداشت روانی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت تأکید شده است (دفتر تألیف کتب درسی، ۱۳۹۲).

در نهایت، اهمیت جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی را می‌توان در پیوند آن با تربیت شهروندی، رشد شخصیت اجتماعی و آماده‌سازی دانش‌آموز برای زندگی واقعی دانست. مطالعات اجتماعی زمانی می‌تواند به اهداف تربیتی خود دست یابد که دانش‌آموز علاوه بر دانستن مفاهیم اجتماعی، توانایی استفاده از آن‌ها را در رفتار و تصمیم‌های روزمره خود نیز داشته باشد. بنابراین، توجه متوازن به مهارت‌های زندگی و اجتماعی در اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی مطالعات اجتماعی، می‌تواند این درس را از یک حوزه صرفاً دانش‌محور به بستری برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموز و تربیت فردی مسئول، توانمند، مشارکت‌جو و آماده برای زندگی اجتماعی تبدیل کند.

بحث

بررسی جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که این درس از ظرفیت قابل توجهی برای پیوند دادن دانش مدرسه‌ای با نیازهای واقعی زندگی دانش‌آموزان برخوردار است. مطالعات اجتماعی به دلیل ماهیت خود، دانش‌آموز را با خانواده، جامعه، فرهنگ، قانون، حقوق و مسئولیت‌ها، روابط انسانی و مشارکت اجتماعی آشنا می‌کند و از این جهت می‌تواند زمینه مناسبی برای رشد توانایی‌هایی مانند ارتباط مؤثر، همکاری، تصمیم‌گیری، حل مسئله و مسئولیت‌پذیری فراهم سازد. در اسناد و برنامه‌های مرتبط با آموزش مطالعات اجتماعی نیز بر شناخت حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، تقویت ارتباطات مؤثر، مشارکت اجتماعی، بهداشت روانی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأکید شده است (دفتر تألیف کتب درسی، ۱۳۹۲).



یکی از مهم‌ترین نکات در تحلیل برنامه درسی مطالعات اجتماعی، تفاوت میان «وجود مفاهیم مرتبط با مهارت‌های زندگی» و «آموزش واقعی و عملی این مهارت‌ها» است. ممکن است مفاهیمی مانند همکاری، مسئولیت‌پذیری، احترام، قانون‌مداری و مشارکت در کتاب درسی مطرح شوند، اما صرف ارائه این مفاهیم به معنای کسب مهارت توسط دانش‌آموز نیست. مهارت زمانی شکل می‌گیرد که دانش‌آموز فرصت تجربه، تمرین، بازخورد و استفاده از آن را در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده داشته باشد. بنابراین، برنامه درسی مطالعات اجتماعی باید از آموزش صرف مفاهیم فاصله گرفته و موقعیت‌هایی را برای فعالیت گروهی، گفت‌وگو، ایفای نقش، حل مسئله، تصمیم‌گیری و بررسی مسائل واقعی جامعه فراهم کند.

یافته‌های پژوهشی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند. در یک مطالعه درباره برنامه درسی مطالعات اجتماعی، مؤلفه‌های یادگیری اجتماعی - هیجانی شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، ایجاد روابط و تصمیم‌گیری بررسی شد. نتایج نشان داد که در اهداف و محتوای برنامه، آگاهی اجتماعی جایگاه نسبتاً پررنگی دارد، اما سایر ابعاد مهارت‌های اجتماعی - هیجانی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ از این رو، بازنگری برنامه درسی با توجه بیشتر به مجموعه مهارت‌های اجتماعی - هیجانی ضروری دانسته شده است (Aygün, 2019).

از سوی دیگر، مطالعات اجتماعی می‌تواند محیط مناسبی برای آموزش مهارت‌ها در بستر طبیعی یادگیری باشد. آموزش مهارت‌های اجتماعی زمانی اثربخش‌تر است که از موقعیت‌های واقعی زندگی جدا نباشد. برای نمونه، دانش‌آموز می‌تواند هنگام بررسی یک مسئله اجتماعی، ضمن شناخت ابعاد آن، درباره راحل‌های مختلف گفت‌وگو کند، دیدگاه دیگران را بشنود، از نظر خود دفاع کند و در نهایت به یک تصمیم جمعی برسد. چنین فعالیتی به طور هم‌زمان چند مهارت از جمله تفکر انتقادی، ارتباط مؤثر، همکاری، تصمیم‌گیری و حل مسئله را تقویت می‌کند. پژوهش‌های Morris، McGuire و Walker نیز نشان داده است که ادغام فرصت‌های یادگیری اجتماعی - هیجانی با آموزش مطالعات اجتماعی می‌تواند امکان یادگیری و تمرین واقعی مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی را افزایش دهد.

از منظر تربیت شهروندی نیز آموزش مهارت‌های زندگی در مطالعات اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. هدف آموزش اجتماعی آن نیست که دانش‌آموز صرفاً درباره جامعه اطلاعات کسب کند، بلکه باید برای حضور مؤثر و مسئولانه در جامعه آماده شود. دانش‌آموزی که حقوق و مسئولیت‌های خود را می‌شناسد، می‌تواند با دیگران گفت‌وگو کند، تفاوت دیدگاه‌ها را بپذیرد، تعارض‌ها را مدیریت کند و در فعالیت‌های جمعی مشارکت داشته باشد، آمادگی بیشتری برای ایفای نقش شهروندی خواهد داشت. در مطالعه تطبیقی برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی کانادا و ترکیه نیز مشخص شده است که با وجود تفاوت در میزان حضور مهارت‌های اجتماعی، انواع مهارت‌های مورد تأکید در برنامه‌های این دو کشور در برخی پایه‌ها شباهت قابل توجهی دارند؛ این موضوع نشان‌دهنده اهمیت جهانی مهارت‌های اجتماعی در آموزش مطالعات اجتماعی است (Güllühan & Bekiroğlu, 2022).

موضوع مهم دیگر، ضرورت توجه به مهارت‌های زندگی در شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید است. دانش‌آموزان امروز با حجم گسترده‌ای از اطلاعات، ارتباطات مجازی، تغییرات فرهنگی و موقعیت‌های پیچیده تصمیم‌گیری مواجه هستند. بنابراین، آموزش باید آنان را برای مواجهه با موقعیت‌هایی آماده کند که پاسخ آن‌ها صرفاً از طریق حفظ مطالب درسی به دست نمی‌آید. توانایی تحلیل اطلاعات، تشخیص موقعیت مناسب، کنترل هیجانات، برقراری ارتباط سالم و تصمیم‌گیری آگاهانه از جمله توانایی‌هایی است که دانش‌آموز در زندگی روزمره به آن‌ها نیاز دارد. شواهد پژوهشی گسترده نیز نشان داده‌اند که برنامه‌های مدرسه‌محور یادگیری اجتماعی و هیجانی می‌توانند علاوه بر بهبود مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان، بر رفتار، روابط با همسالان، عملکرد مدرسه و پیشرفت تحصیلی آنان نیز تأثیر مثبت داشته باشند (Cipriano et al., 2023).

در همین راستا، نتایج پژوهش‌های جدید درباره آموزش مهارت‌های زندگی نیز نشان می‌دهد که مداخلات مدرسه‌محور می‌توانند پیامدهای مثبتی برای رشد فردی و اجتماعی نوجوانان داشته باشند. برای مثال، پژوهشی که در هند انجام شده



است، نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند خودکارآمدی، تاب‌آوری، نگرش‌های اجتماعی و برخی پیامدهای مرتبط با مدرسه را بهبود دهد و از این رو، ادغام آموزش مهارت‌های اجتماعی - هیجانی در برنامه‌های مدرسه‌ای را مورد حمایت قرار می‌دهد. (Tagat, Balaji, & Kapoor, 2025)

با وجود این ظرفیت‌ها، یکی از چالش‌های اساسی آن است که آموزش مهارت‌های زندگی در مطالعات اجتماعی نباید به شکل موضوعی جدا از سایر بخش‌های برنامه درسی ارائه شود. این مهارت‌ها باید در اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی درس حضور داشته باشند. اگر دانش‌آموز در کلاس فقط درباره همکاری یا مسئولیت‌پذیری مطالعه کند، اما فرصت همکاری واقعی و پذیرش مسئولیت نداشته باشد، یادگیری او بیشتر جنبه نظری خواهد داشت. بنابراین، استفاده از روش‌های تدریس فعال و مشارکتی می‌تواند نقش مهمی در تبدیل مفاهیم به شایستگی‌های عملی داشته باشد.

همچنین نقش معلم در تحقق این هدف بسیار مهم است. معلم مطالعات اجتماعی می‌تواند با ایجاد فضای گفت‌وگو، احترام به دیدگاه‌های متفاوت، تشکیل گروه‌های یادگیری، طرح مسائل واقعی و استفاده از موقعیت‌های مسئله‌محور، محیط کلاس را به فضایی برای تمرین مهارت‌های زندگی تبدیل کند. در چنین شرایطی، خود کلاس درس به یک محیط اجتماعی کوچک تبدیل می‌شود که دانش‌آموز در آن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را به صورت عملی تجربه می‌کند.

در مجموع، بحث درباره جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که این مهارت‌ها نه یک موضوع جانبی، بلکه بخشی اساسی از اهداف تربیتی این درس هستند. با این حال، برای تحقق کامل این هدف، لازم است میان اهداف برنامه درسی، محتوای کتاب، فعالیت‌های آموزشی و روش‌های ارزشیابی هماهنگی بیشتری ایجاد شود. مطالعات اجتماعی زمانی می‌تواند نقش مؤثری در تربیت دانش‌آموز ایفا کند که علاوه بر انتقال دانش درباره جامعه، توانایی زندگی در جامعه را نیز در دانش‌آموز پرورش دهد. از این منظر، تقویت مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌تواند به تربیت افرادی مسئول، مشارکت‌جو، انعطاف‌پذیر، دارای تفکر انتقادی و برخوردار از توانایی برقراری روابط سالم منجر شود و در نهایت، مدرسه را به محیطی مؤثر برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت مواجهه با مسائل واقعی زندگی تبدیل کند.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. با توجه به موضوع پژوهش، یعنی بررسی جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، روش تحلیل محتوا و بررسی اسنادی برای مطالعه و تحلیل داده‌ها انتخاب شده است. این روش امکان بررسی نظام‌مند اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و سایر عناصر مرتبط با برنامه درسی مطالعات اجتماعی را فراهم می‌کند و می‌توان از طریق آن میزان توجه برنامه درسی به مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان را شناسایی و تحلیل کرد. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی نیز نشان داده‌اند که تحلیل محتوا یکی از روش‌های مناسب برای شناسایی و تعیین میزان حضور مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی در محتوای آموزشی است (عزیزخانی، نیک‌نام و احدی، ۱۴۰۱).

جامعه پژوهش شامل منابع و اسناد مرتبط با برنامه درسی مطالعات اجتماعی و مهارت‌های زندگی و اجتماعی است. این منابع شامل کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، اسناد و اهداف برنامه درسی، پژوهش‌ها و مطالعات علمی مرتبط با مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی و تربیت شهروندی است. در صورت تمرکز پژوهش بر یک پایه تحصیلی مشخص، تمامی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی همان پایه، شامل متن، تصاویر، فعالیت‌ها، پرسش‌ها و تمرین‌ها، به عنوان جامعه پژوهش در نظر گرفته می‌شود. در مطالعات مشابه نیز کل محتوای کتاب درسی به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و واحدهای متن، تصویر و فعالیت برای تحلیل انتخاب شده‌اند (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).



ابزار گردآوری داده‌ها، فرم یا سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته است که بر اساس مبانی نظری پژوهش و مؤلفه‌های اصلی مهارت‌های زندگی و اجتماعی تنظیم می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد بررسی می‌تواند شامل خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، مدیریت هیجانات، همکاری و مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، احترام به دیگران، حل تعارض و مهارت‌های شهروندی باشد. برای افزایش اعتبار ابزار، شاخص‌ها و مؤلفه‌های اولیه بر اساس مطالعات پیشین و دیدگاه صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزش مهارت‌های زندگی تنظیم و در صورت نیاز اصلاح می‌شوند. در پژوهش‌های تحلیل محتوای مطالعات اجتماعی نیز استفاده از چک‌لیست محقق ساخته بر اساس مؤلفه‌های نظری مهارت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).

واحد تحلیل در پژوهش حاضر می‌تواند شامل جمله، پاراگراف، تصویر، فعالیت، تمرین و پرسش‌های موجود در محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی باشد. هرگاه یک واحد محتوایی به یکی از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی و اجتماعی اشاره داشته باشد، آن واحد شناسایی و در طبقه مربوط ثبت می‌شود. در این فرایند، تلاش می‌شود علاوه بر توجه به حضور مستقیم و آشکار مهارت‌ها، به نشانه‌های غیرمستقیم و ضمنی آن‌ها نیز توجه شود تا تصویری دقیق‌تر از جایگاه مهارت‌های زندگی در برنامه درسی به دست آید. در مطالعات داخلی مشابه، متن، تصویر و فعالیت به عنوان واحدهای تحلیل انتخاب شده‌اند و میزان توجه کتاب به مهارت‌های مختلف از طریق شمارش و تحلیل این واحدها بررسی شده است (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).

فرایند تحلیل داده‌ها در چند مرحله انجام می‌شود. ابتدا منابع و محتوای مرتبط با موضوع مطالعه و بررسی می‌شوند. سپس مؤلفه‌های اصلی مهارت‌های زندگی و اجتماعی مشخص و در قالب مقوله‌ها و شاخص‌های قابل مشاهده تنظیم می‌شوند. در مرحله بعد، محتوای مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های تعیین شده کدگذاری می‌شود و فراوانی هر یک از مؤلفه‌ها مشخص می‌گردد. در نهایت، یافته‌ها به صورت توصیفی تفسیر شده و میزان توجه برنامه درسی مطالعات اجتماعی به هر یک از مهارت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورت استفاده از داده‌های کمی، می‌توان فراوانی و درصد حضور هر مؤلفه را محاسبه کرد و برای تعیین میزان اهمیت یا توزیع شاخص‌ها از روش‌هایی مانند آنتروپی شانون استفاده نمود؛ این روش در پژوهش‌های داخلی مرتبط با تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی نیز به کار رفته است (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).

در بخش تحلیل اسنادی، یافته‌های حاصل از بررسی منابع علمی و اسناد برنامه درسی با یکدیگر مقایسه و طبقه‌بندی می‌شوند تا مشخص شود مهارت‌های زندگی و اجتماعی در اهداف و محتوای برنامه درسی تا چه اندازه مورد توجه قرار گرفته‌اند. استفاده از تحلیل اسناد در پژوهش‌های خارجی مرتبط با برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی نیز رایج است. برای نمونه، در بررسی برنامه درسی مطالعات اجتماعی، از تحلیل اسناد و تحلیل توصیفی برای شناسایی میزان ارتباط اهداف و فعالیت‌های آموزشی با مهارت‌های قرن بیست و یکم استفاده شده است (Kuloğlu & Özer, 2025). همچنین پژوهش‌های مربوط به تلفیق مهارت‌های زندگی با آموزش علوم اجتماعی از مشاهده و بررسی فعالیت‌های واقعی کلاس نیز استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد مطالعه نحوه حضور مهارت‌های زندگی در فرایند آموزش می‌تواند مکمل تحلیل اسناد و محتوا باشد (Isaksen et al., 2025).

برای افزایش قابلیت اعتماد یافته‌ها، فرایند کدگذاری باید بر اساس تعاریف روشن و شاخص‌های مشخص انجام شود و در صورت امکان بخشی از داده‌ها توسط کدگذار دوم نیز بررسی شود. میزان توافق میان کدگذاران می‌تواند به عنوان شاخصی برای سنجش پایایی فرایند کدگذاری مورد استفاده قرار گیرد. توجه به پایایی و شفافیت فرایند کدگذاری در پژوهش‌های تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نبود تعریف دقیق مقوله‌ها و مشخص نبودن شیوه انتخاب و کدگذاری واحدهای تحلیل می‌تواند اعتبار نتایج را کاهش دهد.

در نهایت، یافته‌های پژوهش در قالب مقوله‌های اصلی مهارت‌های زندگی و اجتماعی ارائه و با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مقایسه می‌شوند. هدف از این تحلیل، صرفاً تعیین تعداد دفعات حضور یک مهارت در محتوای مطالعات اجتماعی نیست،



بلکه تلاش می‌شود مشخص شود این مهارت‌ها تا چه اندازه در اهداف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری برنامه درسی جایگاه واقعی و کاربردی دارند. بر این اساس، روش‌شناسی پژوهش حاضر امکان شناسایی نقاط قوت، کاستی‌ها و ظرفیت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی را فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای پیشنهادهایی در جهت تقویت آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی قرار گیرد.

ابزار پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر و استفاده از روش تحلیل محتوا، ابزار اصلی گردآوری داده‌ها «سپاه یا چکلیست تحلیل محتوای محقق‌ساخته» است. این ابزار با هدف شناسایی و ثبت میزان توجه برنامه درسی مطالعات اجتماعی به مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی و اجتماعی طراحی می‌شود. استفاده از چکلیست محقق‌ساخته در پژوهش‌های مرتبط با تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی نیز سابقه دارد؛ برای نمونه، در پژوهشی درباره بررسی مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم، از فهرست و ارسای تحلیل محتوای محقق‌ساخته استفاده شده است.

چکلیست پژوهش حاضر بر اساس مبانی نظری مهارت‌های زندگی، مطالعات پیشین و اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی تنظیم می‌شود. مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی شامل خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، مدیریت هیجانات، همکاری و مشارکت، مسئولیت‌پذیری، احترام به دیگران، حل تعارض و مهارت‌های شهروندی خواهد بود. هر یک از این مؤلفه‌ها به شاخص‌های قابل مشاهده و قابل کدگذاری تبدیل می‌شوند تا امکان بررسی دقیق محتوای کتاب درسی فراهم شود.

برای مثال، در مؤلفه «ارتباط مؤثر»، شاخص‌هایی مانند گفت‌وگو، گوش دادن به دیگران، بیان دیدگاه، احترام به نظر مخالف و تعامل سازنده با دیگران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مؤلفه «حل مسئله»، مواردی مانند شناسایی مسئله، پیشنهاد راحل، مقایسه راحل‌ها و انتخاب راهکار مناسب بررسی خواهد شد. همچنین در مؤلفه «مشارکت و همکاری»، شاخص‌هایی مانند کار گروهی، تقسیم مسئولیت، مشارکت در فعالیت‌های جمعی و همکاری با دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد.

واحد تحلیل در این ابزار می‌تواند شامل متن، جمله، پاراگراف، تصویر، فعالیت، تمرین و پرسش‌های کتاب درسی باشد. هر واحد محتوایی که به یکی از مؤلفه‌ها یا شاخص‌های تعیین‌شده اشاره کند، در چکلیست ثبت و کدگذاری خواهد شد. در پژوهش‌های مشابه داخلی نیز متن، تصویر و فعالیت به عنوان واحدهای تحلیل در بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی انتخاب شده‌اند. همچنین در پژوهشی درباره کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، جمله و تصویر به عنوان واحد تحلیل و چکلیست محقق‌ساخته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شده است (عزیزخانی، نیکنام و احدی، ۱۴۰۱).

برای تعیین روایی ابزار، نسخه اولیه چکلیست در اختیار تعدادی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی، علوم تربیتی و آموزش مطالعات اجتماعی قرار می‌گیرد تا میزان تناسب، شفافیت و جامعیت مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بررسی شود. پس از دریافت نظر متخصصان، شاخص‌های نامتناسب حذف و موارد نیازمند اصلاح بازنگری می‌شوند. در پژوهش مشابه عزیزخانی، نیکنام و احدی نیز فرم تحلیل محتوا در اختیار چهار متخصص برنامه درسی قرار گرفته و مناسب بودن مؤلفه‌ها و هماهنگی آن‌ها با مفاهیم مهارت‌های زندگی بررسی شده است.

برای بررسی پایایی ابزار نیز می‌توان بخشی از محتوای مورد مطالعه را در دو مرحله کدگذاری کرد و میزان توافق بین دو مرحله یا بین دو کدگذار را محاسبه نمود. در مطالعات داخلی مرتبط با تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی، استفاده از روش بازآزمایی و ضریب توافق برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سابقه داشته است. برای نمونه، در پژوهش بررسی



مهارت‌های قرن بیست‌ویکم در کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم، پایایی ابزار با فرمول ویلیام اسکات ۹۳ درصد گزارش شده است.

در پژوهش‌های انگلیسی‌زبان نیز طراحی نظام کدگذاری و چکلیست متناسب با مؤلفه‌های مورد مطالعه، یکی از شیوه‌های رایج در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی است. برای نمونه، (Kassa, 2022) در بررسی جایگاه مهارت‌های زندگی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی از روش تحلیل محتوا استفاده کرده و مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی را در محتوای کتاب‌ها شناسایی و کدگذاری کرده است. همچنین در مطالعه Jami, Chohan و Tabassum (2024)، برای بررسی ادغام مهارت‌های زندگی در کتاب مطالعات پاکستان، یک چارچوب کدگذاری بر اساس مؤلفه‌های اصلی مهارت‌های زندگی طراحی و محتوای کتاب به صورت کیفی تحلیل شده است.

در مجموع، ابزار پژوهش حاضر یک چکلیست نظام‌مند و محقق‌ساخته است که با تکیه بر مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، امکان شناسایی، طبقه‌بندی و شمارش مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی و اجتماعی را در محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی فراهم می‌کند. استفاده از چنین ابزاری باعث می‌شود تحلیل محتوای پژوهش از حالت کلی و ذهنی خارج شده و داده‌ها به شکل منظم و قابل مقایسه ثبت شوند. بر این اساس، می‌توان میزان توجه برنامه درسی مطالعات اجتماعی به هر یک از مهارت‌های زندگی و اجتماعی را مشخص کرده و نقاط قوت و کاستی‌های موجود را مورد بررسی قرار داد.

محدودیت‌ها و چالش‌ها

آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، با وجود اهمیت فراوان، با محدودیت‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، فاصله میان اهداف رسمی برنامه درسی و نحوه اجرای آن در کلاس درس است. ممکن است در اسناد برنامه درسی بر پرورش مهارت‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی، ارتباط مؤثر و حل مسئله تأکید شود، اما در عمل بخش زیادی از زمان آموزش صرف انتقال مطالب و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ارزشیابی‌های دانشی شود. در نتیجه، فرصت کافی برای تمرین عملی مهارت‌های زندگی و اجتماعی کاهش می‌یابد. بررسی محتوای مطالعات اجتماعی نیز نشان داده است که اگرچه برخی مهارت‌های زندگی در برنامه درسی حضور دارند، نحوه کسب و تمرین آن‌ها همیشه به صورت روشن مشخص نشده است. (Zan & Güven, 2024)

یکی دیگر از محدودیت‌های مهم، حجم محتوای برنامه درسی و محدودیت زمان آموزشی است. درس مطالعات اجتماعی حوزه‌های متنوعی مانند تاریخ، جغرافیا، مدنی، فرهنگ و مسائل اجتماعی را دربرمی‌گیرد و گستردگی این محتوا می‌تواند فرصت پرداختن عمیق به مهارت‌های زندگی را کاهش دهد. در چنین شرایطی، معلم ممکن است برای اتمام محتوای کتاب، بیشتر بر انتقال مطالب تأکید کند و فعالیت‌های مشارکتی، پروژه‌ای و تجربه‌محور در اولویت دوم قرار گیرند. پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهند که حجم زیاد برنامه درسی و کمبود زمان می‌تواند اجرای فعالیت‌های تعاملی و تجربه‌محور را دشوار کند. (Dhakal, 2025)

چالش دیگر، آمادگی و توانمندی حرفه‌ای معلمان است. آموزش مهارت‌های زندگی نیازمند استفاده از روش‌هایی متفاوت از تدریس سنتی است و معلم باید بتواند موقعیت‌هایی برای گفت‌وگو، ایفای نقش، کار گروهی، حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی ایجاد کند. در صورتی که معلمان آموزش کافی درباره آموزش مهارت‌های اجتماعی و روش‌های یادگیری فعال ندیده باشند، ممکن است آموزش این مهارت‌ها به بیان توصیه‌های اخلاقی و نظری محدود شود. پژوهش‌های مربوط به آموزش مطالعات اجتماعی و مهارت‌های زندگی نیز کمبود آموزش حرفه‌ای و منابع آموزشی مناسب را از موانع مهم اجرای مطلوب این نوع آموزش معرفی کرده‌اند. (Dhakal, 2025)



از دیگر چالش‌ها می‌توان به محدودیت منابع و امکانات آموزشی اشاره کرد. بسیاری از مهارت‌های زندگی از طریق فعالیت‌های عملی، پروژه‌های گروهی، بازدیدهای آموزشی، فعالیت‌های میدانی، استفاده از فناوری و ارتباط با محیط واقعی بهتر آموزش داده می‌شوند. کمبود امکانات، منابع چندرسانه‌ای، فضای مناسب و دسترسی محدود به فرصت‌های یادگیری خارج از کلاس می‌تواند اجرای چنین فعالیت‌هایی را محدود کند. در پژوهش‌های مربوط به برنامه‌های مطالعات اجتماعی نیز محدودیت منابع و کمبود معلمان آموزش‌دیده برای استفاده از روش‌های آموزشی جدید به عنوان یکی از چالش‌های اجرای برنامه‌های مهارت‌محور مطرح شده است. (Phinla, Phinla, & Mahapoonyanont, 2025).

مسئله دیگر، غلبه ارزشیابی‌های سنتی و دانش‌محور است. مهارت‌هایی مانند همکاری، همدلی، مدیریت هیجانات، حل مسئله و ارتباط مؤثر را نمی‌توان صرفاً با آزمون‌های کتبی و سوالات حافظه‌محور به طور دقیق سنجید. زمانی که موفقیت دانش‌آموز عمدتاً بر اساس نمره آزمون‌های کتبی ارزیابی شود، ممکن است معلم و دانش‌آموز نیز بیشتر به یادگیری اطلاعات توجه کنند و مهارت‌های عملی در حاشیه قرار گیرند. یافته‌های پژوهش Kassa (2022) نشان داده است که در برخی کتاب‌های مطالعات اجتماعی، سهم آموزش مهارت‌های زندگی بسیار محدود بوده و اهداف یادگیری بیشتر بر دانش و درک مطالب متمرکز بوده‌اند تا مهارت‌های شناختی سطح بالاتر.

از نظر محتوایی نیز یکی از چالش‌های مهم، توزیع نامتوازن مهارت‌ها در بخش‌های مختلف برنامه درسی است. همه مهارت‌های زندگی به یک اندازه در محتوای مطالعات اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. برای مثال، ممکن است مهارت‌های ارتباطی، مشارکت و تفکر انتقادی حضور بیشتری داشته باشند، اما مهارت‌هایی مانند خودمدیریتی، مراقبت از خود، مدیریت هیجانات یا برخی مهارت‌های فردی کمتر مورد توجه قرار گیرند. در یک مطالعه جدید درباره برنامه درسی مطالعات اجتماعی نیز مشخص شد که برخی حوزه‌های مهارت‌های زندگی، به‌ویژه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، حضور پررنگ‌تری دارند، در حالی که مهارت‌های مربوط به زندگی خانوادگی، مراقبت فردی و بهداشت کمتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. (Kuloğlu & Özer, 2026).

از سوی دیگر، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و فردی دانش‌آموزان نیز اجرای یک الگوی واحد برای آموزش مهارت‌های زندگی را دشوار می‌کند. مهارت‌هایی که در یک جامعه یا گروه اجتماعی اهمیت بیشتری دارند، ممکن است در محیطی دیگر به شکل متفاوتی مورد نیاز باشند. بنابراین، محتوای مهارت‌های زندگی باید با شرایط فرهنگی، اجتماعی و نیازهای واقعی دانش‌آموزان هماهنگ باشد. پژوهش‌های بین‌المللی نیز بر ضرورت سازگار کردن برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی با زمینه فرهنگی و اجتماعی محل اجرا تأکید کرده‌اند و هشدار داده‌اند که انتقال مستقیم یک برنامه از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر بدون بررسی و ارزیابی کافی می‌تواند اثربخشی آن را کاهش دهد.

چالش دیگر، ارتباط محدود میان آموزش مهارت‌های زندگی و موقعیت‌های واقعی زندگی است. اگر مهارت‌ها صرفاً در قالب تعریف و توضیح در کتاب ارائه شوند، احتمال انتقال آن‌ها به زندگی روزمره کاهش می‌یابد. دانش‌آموز باید بتواند مهارت‌هایی مانند تصمیم‌گیری، حل مسئله و ارتباط مؤثر را در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده تجربه کند. پژوهش Isaksen و همکاران نشان داده است که اگرچه مهارت‌های زندگی در کلاس‌های علوم اجتماعی مطرح می‌شوند، میزان و نحوه حضور آن‌ها با سایر دروس متفاوت است و ایجاد فرصت‌های واقعی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت مواجهه با چالش‌های شخصی و اجتماعی همچنان اهمیت دارد. (Isaksen et al., 2025).

در مجموع، مهم‌ترین محدودیت‌ها و چالش‌های آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی را می‌توان در حجم زیاد محتوای درسی، کمبود زمان، غلبه روش‌های سنتی تدریس، محدودیت امکانات آموزشی، ناکافی بودن آموزش حرفه‌ای معلمان، دانش‌محور بودن ارزشیابی، توزیع نامتوازن مهارت‌ها در محتوا و فاصله میان آموزش نظری و تجربه عملی خلاصه کرد. برطرف کردن این چالش‌ها نیازمند بازنگری هماهنگ در اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی است. در این مسیر، مطالعات اجتماعی می‌تواند از یک درس صرفاً انتقال‌دهنده اطلاعات



اجتماعی به محیطی برای تجربه و تمرین مهارت‌های واقعی زندگی تبدیل شود؛ به شرط آنکه مهارت‌های زندگی به صورت هدفمند و متوازن در تمام عناصر برنامه درسی مورد توجه قرار گیرند.

یافته ها

یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس بررسی اسناد، مطالعات پیشین و تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی این درس دارای جایگاه قابل توجهی هستند، اما میزان حضور و توزیع آن‌ها در مؤلفه‌های مختلف برنامه درسی یکسان و متوازن نیست. مطالعات اجتماعی به دلیل ماهیت اجتماعی، فرهنگی و شهروندی خود، ظرفیت مناسبی برای پرورش مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، مشارکت و همکاری، ارتباط مؤثر، همدلی و خودآگاهی دارد. با این حال، بررسی محتوای آموزشی نشان می‌دهد که برخی مهارت‌ها نسبت به سایر مهارت‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در بررسی کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم، شش مهارت شامل خودآگاهی، همدلی، حل مسئله، تفکر انتقادی، مشارکت و همکاری و مهارت ارتباطی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که بیشترین توجه محتوای کتاب به مهارت تفکر انتقادی اختصاص دارد، در حالی که مهارت‌های خودآگاهی و ارتباطی کمترین میزان توجه را داشته‌اند. همچنین فراوانی مهارت‌ها در بخش‌های تاریخ، جغرافیا و مدنی یکسان نبوده و بخش مدنی و فعالیت‌های کتاب فرصت بیشتری برای ظهور مهارت‌های زندگی و اجتماعی فراهم کرده‌اند. در مقابل، در بخش‌های تاریخ و جغرافیا، مهارت ارتباطی حضور بسیار محدودی داشته است (پوشش‌دوست و رضازاده بهادران، ۱۳۹۷).

بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی منابع فارسی، می‌توان گفت که مهارت‌های شناختی سطح بالاتر، به‌ویژه تفکر انتقادی، در برنامه درسی مطالعات اجتماعی نسبت به برخی مهارت‌های فردی و ارتباطی جایگاه پررنگتری دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که برنامه درسی در زمینه ایجاد فرصت برای تحلیل، قضاوت و بررسی مسائل اجتماعی عملکرد مناسبی دارد، اما برای دستیابی به الگوی متوازن آموزش مهارت‌های زندگی لازم است مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، ارتباط مؤثر، همدلی و مدیریت روابط اجتماعی نیز به شکل گسترده‌تری در محتوا و فعالیت‌های آموزشی گنجانده شوند.

یافته‌های پژوهش دیگری که محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی را بررسی کرده است نیز نشان می‌دهد که میزان حضور مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی در پایه‌های مختلف متفاوت است. در این مطالعه، بیشترین فراوانی مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم و کمترین فراوانی در پایه چهارم مشاهده شد. همچنین تحلیل اهمیت مؤلفه‌ها نشان داد که تفکر خلاق بیشترین ضریب اهمیت و خودآگاهی کمترین ضریب اهمیت را داشته است. این یافته نیز نشان‌دهنده توزیع نامتوازن مهارت‌های زندگی در محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی است (عزیزخانی، نیک‌نام و احدی، ۱۴۰۱).

از دیگر یافته‌های مهم می‌توان به نقش فعالیت‌های یادگیری در تقویت مهارت‌های زندگی اشاره کرد. بررسی محتوای مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که فعالیت‌ها و تمرین‌های مشارکتی ظرفیت بیشتری برای پرورش مهارت‌های اجتماعی نسبت به متن‌های صرفاً توضیحی دارند. فعالیت‌هایی که دانش‌آموز را به گفت‌وگو، همکاری، تصمیم‌گیری، بررسی یک مسئله اجتماعی یا ارائه راه حل دعوت می‌کنند، فرصت بیشتری برای تبدیل دانش نظری به مهارت عملی ایجاد می‌کنند. بنابراین، صرف وجود واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با مهارت‌های زندگی در متن کتاب نمی‌تواند نشان‌دهنده آموزش واقعی مهارت باشد و کیفیت فعالیت‌های یادگیری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که مهارت‌های زندگی در مطالعات اجتماعی بیشتر زمانی ظهور پیدا می‌کنند که موضوعات درسی با موقعیت‌های واقعی زندگی پیوند داده شوند. مباحث مربوط به شهروندی، حقوق و مسئولیت‌ها،



همکاری اجتماعی، دموکراسی، خانواده، اقتصاد، فناوری و مسائل اجتماعی می‌توانند موقعیت‌های مناسبی برای تمرین مهارت‌های زندگی ایجاد کنند. بنابراین، هرچه برنامه درسی از ارائه اطلاعات صرف فاصله گرفته و دانش‌آموز را درگیر فعالیت‌های مسئله‌محور و مشارکتی کند، امکان رشد مهارت‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

در مطالعات خارجی نیز یافته‌های مشابهی به دست آمده است (Kassa, 2022). در تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی نشان داد که مجموع پوشش مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی در کتاب‌های مورد بررسی حدود ۶ درصد بوده است. همچنین بیشتر اهداف یادگیری بر سطوح دانش و درک متمرکز بودند و توجه کمتری به مهارت‌های شناختی سطح بالاتر وجود داشت. این یافته نشان می‌دهد که وجود عنوان یا موضوعات اجتماعی در کتاب درسی الزاماً به معنای توجه کافی به مهارت‌های زندگی نیست و ممکن است این مهارت‌ها در مقایسه با اهداف دانشی سهم محدودی داشته باشند.

در مطالعه‌ای تطبیقی درباره برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی کانادا و ترکیه نیز مشخص شد که اگرچه میزان و فراوانی مهارت‌های اجتماعی در دو برنامه درسی متفاوت است، انواع مهارت‌های اجتماعی مورد تأکید در پایه‌های ابتدایی شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. این یافته نشان می‌دهد که آموزش مطالعات اجتماعی در نظام‌های آموزشی مختلف، علاوه بر انتقال دانش اجتماعی، به پرورش توانایی تعامل و زندگی اجتماعی دانش‌آموزان نیز توجه دارد (Güllühan & Bekiroğlu, 2022).

یافته‌های جدیدتر درباره برنامه درسی مطالعات اجتماعی نیز نشان می‌دهد که مهارت‌هایی مانند گوش دادن، تفکر تأملی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، حل مسئله اجتماعی، کار گروهی و همکاری با همسالان در برنامه‌های جدید مطالعات اجتماعی حضور قابل توجهی دارند. در مقابل، مهارت‌های مربوط به زندگی خانوادگی، مراقبت فردی و بهداشت شخصی کمتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این یافته بیانگر آن است که حتی در برنامه‌های جدید و مهارت‌محور نیز ضرورت ایجاد توازن میان مهارت‌های اجتماعی، شناختی و فردی همچنان وجود دارد (Kuloğlu & Özer, 2026).

از نظر نحوه تحقق مهارت‌های زندگی در کلاس درس نیز یافته‌ها نشان می‌دهند که حضور این مهارت‌ها به روش تدریس وابسته است. پژوهش انجام‌شده در کلاس‌های دوره متوسطه نشان داده است که مهارت‌های زندگی در کلاس‌های علوم اجتماعی مطرح می‌شوند، اما میزان حضور آن‌ها محدودتر از برخی دروس دیگر بوده است. همچنین معلمان این مهارت‌ها را در ارتباط با انتظارات فردی، نیازهای اجتماعی، آینده تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مطرح کرده‌اند. این موضوع اهمیت نقش معلم و روش تدریس را در تبدیل اهداف برنامه درسی به تجربه واقعی یادگیری نشان می‌دهد (Isaksen et al., 2025).

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی از ظرفیت مناسبی برخوردار است، اما توزیع مهارت‌ها متوازن نیست. تفکر انتقادی، تفکر خلاق و برخی مهارت‌های حل مسئله و مشارکت در مقایسه با خودآگاهی، ارتباط مؤثر و برخی مهارت‌های فردی حضور پررنگ‌تری دارند. همچنین فعالیت‌های یادگیری و بخش‌های مشارکتی کتاب ظرفیت بیشتری برای آموزش عملی مهارت‌ها دارند. بنابراین، برای افزایش اثربخشی برنامه درسی مطالعات اجتماعی لازم است مهارت‌های زندگی به صورت متوازن در اهداف، محتوای آموزشی، فعالیت‌ها، روش‌های تدریس و ارزشیابی گنجانده شوند و دانش‌آموزان فرصت کافی برای تمرین این مهارت‌ها در موقعیت‌های واقعی و اجتماعی پیدا کنند.

پیشنهاده‌ها

با توجه به یافته‌های پژوهش و با در نظر گرفتن ظرفیت بالای درس مطالعات اجتماعی برای آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی، پیشنهاد می‌شود آموزش این مهارت‌ها به صورت متوازن و هدفمند در تمام عناصر برنامه درسی، از جمله اهداف،



محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که مطالعات اجتماعی ارتباط مستقیمی با زندگی فردی، اجتماعی و شهروندی دانش‌آموزان دارد، می‌توان از این درس به عنوان یکی از بسترهای اصلی پرورش مهارت‌های زندگی استفاده کرد (دفتر تألیف کتب درسی، ۱۳۹۲).

پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتاب‌های مطالعات اجتماعی، مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، خودمدیریتی، همدلی، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، همکاری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را به صورت متوازن در محتوای کتاب‌ها بگنجانند. به‌ویژه با توجه به اینکه برخی پژوهش‌ها بر غلبه مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی و توجه کمتر به برخی ابعاد دیگر مهارت‌های اجتماعی - هیجانی تأکید کرده‌اند، لازم است در بازنگری برنامه درسی، میان مؤلفه‌های مختلف تعادل بیشتری ایجاد شود (Aygün, 2019).

پیشنهاد می‌شود محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی از حالت صرفاً انتقال اطلاعات فاصله گرفته و فعالیت‌های یادگیری بیشتری در آن گنجانده شود که دانش‌آموز را به فکر کردن، گفت‌وگو کردن، تصمیم‌گیری، حل مسئله و همکاری با دیگران وادار کند. فعالیت‌هایی مانند بحث گروهی درباره مسائل اجتماعی، ایفای نقش، شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی، پروژه‌های گروهی، تحلیل مسائل روز جامعه و انجام فعالیت‌های مشارکتی می‌توانند فرصت مناسبی برای تبدیل دانش نظری به مهارت عملی ایجاد کنند. پژوهش‌های داخلی نیز بر اهمیت فعالیت‌های کتاب و کاربرگ‌ها در آموزش مهارت‌های زندگی تأکید کرده‌اند (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۱).

همچنین پیشنهاد می‌شود میان مطالب کتاب درسی و زندگی روزمره دانش‌آموزان ارتباط بیشتری برقرار شود. برای مثال، هنگام آموزش موضوعاتی مانند قانون، حقوق و مسئولیت‌ها، خانواده، شهروندی، محیط زیست، اقتصاد، روابط اجتماعی و مسائل فرهنگی، موقعیت‌های واقعی زندگی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد تا آنان بتوانند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های عملی به کار گیرند. در راهنمای آموزش مطالعات اجتماعی نیز بر پیوند میان محتوای درس و زندگی روزمره و استفاده از این درس برای ارتقای مهارت‌های زندگی تأکید شده است.

پیشنهاد می‌شود معلمان مطالعات اجتماعی در دوره‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های تخصصی با روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری اجتماعی - هیجانی آشنا شوند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل شیوه استفاده از بحث گروهی، ایفای نقش، آموزش مبتنی بر مسئله، یادگیری مشارکتی، روش‌های تقویت تفکر انتقادی و شیوه ایجاد محیط امن و مشارکتی در کلاس باشد. آموزش حرفه‌ای معلمان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اجرای موفق آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی نیازمند آن است که معلم علاوه بر شناخت این مهارت‌ها، توانایی ایجاد فرصت‌های واقعی برای تمرین آن‌ها را نیز داشته باشد. (UNESCO, 2024).

در زمینه ارزشیابی نیز پیشنهاد می‌شود شیوه‌های سنجش مهارت‌های زندگی از حالت سنتی و صرفاً کتبی خارج شود. استفاده از مشاهده عملکرد دانش‌آموز، پوشه کار، پروژه‌های فردی و گروهی، خودارزیابی، همتایابی، فعالیت‌های عملی و سنجش عملکردی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از میزان کسب مهارت‌هایی مانند همکاری، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری و حل مسئله ارائه دهد. همچنین بهتر است ارزشیابی مهارت‌های زندگی بخشی از فرایند مستمر یاددهی - یادگیری باشد و صرفاً در پایان یک دوره آموزشی انجام نشود.

پیشنهاد دیگر، تقویت همکاری میان مدرسه و خانواده است. خانواده می‌تواند در تثبیت مهارت‌هایی که دانش‌آموز در کلاس مطالعات اجتماعی می‌آموزد، نقش مهمی داشته باشد. برگزاری جلسات آموزشی برای والدین، ارائه فعالیت‌های ساده خانوادگی و تشویق خانواده‌ها به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی می‌تواند موجب انتقال مهارت‌های آموخته‌شده از مدرسه به محیط زندگی شود. رویکردهای جامع آموزش اجتماعی - هیجانی نیز بر اهمیت ارتباط میان مدرسه، معلم، دانش‌آموز و خانواده تأکید دارند (CASEL, 2024).



در نهایت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان درسی در بازنگری‌های آینده، میزان حضور مهارت‌های زندگی و اجتماعی را در کتاب‌های مطالعات اجتماعی به صورت دوره‌ای بررسی و ارزیابی کنند. لازم است مشخص شود که هر مهارت در کدام پایه، فصل، فعالیت و موقعیت یادگیری مطرح شده و آیا دانش‌آموز فرصت کافی برای تمرین و ارزشیابی آن را دارد یا خیر. چنین بازبینی‌ای می‌تواند به رفع عدم توازن میان مهارت‌های مختلف کمک کند. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، ایجاد یک برنامه درسی پیوسته و مرحله‌ای که مهارت‌ها را از پایه‌های پایین‌تر به شکل تدریجی توسعه دهد، می‌تواند اثربخشی آموزش اجتماعی و هیجانی را افزایش دهد. (NICE, 2022)

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که آموزش و پرورش در شرایط کنونی نمی‌تواند تنها به انتقال دانش و اطلاعات محدود شود، بلکه باید دانش‌آموزان را برای مواجهه با مسائل فردی، اجتماعی و فرهنگی زندگی نیز آماده کند. دانش‌آموز برای حضور مؤثر در جامعه به مجموعه‌ای از توانایی‌ها مانند خودآگاهی، ارتباط مؤثر، همدلی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، مدیریت هیجانات، همکاری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی نیاز دارد. از این رو، آموزش این مهارت‌ها باید به عنوان بخشی اساسی از فرایند تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌های درسی فرصت لازم برای کسب، تمرین و کاربرد آن‌ها را فراهم کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که درس مطالعات اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم با زندگی اجتماعی دانش‌آموزان، ظرفیت بالایی برای آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی دارد. موضوعاتی مانند خانواده، جامعه، فرهنگ، قانون، حقوق و مسئولیت‌ها، شهروندی، مشارکت اجتماعی، محیط زیست و روابط انسانی، موقعیت‌های مناسبی برای آموزش و تمرین این مهارت‌ها ایجاد می‌کنند. با این حال، صرف حضور مفاهیم مرتبط با مهارت‌های زندگی در کتاب‌های درسی به معنای تحقق کامل آموزش مهارت‌ها نیست. دانش‌آموز باید بتواند این مفاهیم را در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده تجربه کند و از طریق فعالیت‌های فردی و گروهی، آن‌ها را به رفتار و توانایی عملی تبدیل نماید.

بررسی مطالعات پیشین نیز نشان داد که میزان توجه به مؤلفه‌های مختلف مهارت‌های زندگی در محتوای مطالعات اجتماعی یکسان نیست. برخی مهارت‌ها، به ویژه تفکر انتقادی، تفکر خلاق، حل مسئله و مشارکت اجتماعی، حضور بیشتری دارند، در حالی که برخی مهارت‌های فردی و ارتباطی مانند خودآگاهی، ارتباط مؤثر و مدیریت هیجانات در برخی بخش‌های برنامه درسی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که برای دستیابی به یک برنامه درسی متوازن، لازم است همه ابعاد مهارت‌های زندگی و اجتماعی به صورت هماهنگ و متناسب با نیازهای سنی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرند.

در این میان، نقش معلم اهمیت ویژه‌ای دارد. معلم مطالعات اجتماعی می‌تواند با ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو، پذیرش دیدگاه‌های متفاوت، استفاده از کار گروهی، ایفای نقش، بحث و بررسی مسائل واقعی جامعه، زمینه رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را فراهم سازد. همچنین ارزشیابی نیز باید متناسب با اهداف مهارتی تغییر کند و در کنار آزمون‌های کتبی، از مشاهده عملکرد، پروژه، فعالیت گروهی، پوشه کار، خودارزیابی و ارزشیابی عملکردی استفاده شود تا میزان واقعی رشد مهارت‌های دانش‌آموزان مشخص گردد.

در نهایت می‌توان گفت جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی بسیار مهم و راهبردی است و تقویت آن می‌تواند نقش مؤثری در تربیت دانش‌آموزانی آگاه، مسئول، مشارکت‌جو، توانمند و آماده برای زندگی در جامعه داشته باشد. مطالعات اجتماعی زمانی می‌تواند به اهداف تربیتی خود دست یابد که دانش‌آموز علاوه بر



شناخت جامعه، توانایی زندگی و تعامل سازنده در آن را نیز کسب کند. بنابراین، ضروری است آموزش مهارت‌های زندگی به صورت هدفمند و متوازن در اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی برنامه درسی مطالعات اجتماعی ادغام شود. توجه به این موضوع می‌تواند فاصله میان دانش مدرسه‌ای و نیازهای واقعی زندگی را کاهش دهد و مدرسه را به محیطی مؤثر برای تمرین مهارت‌های فردی و اجتماعی تبدیل کند.

منابع فارسی

- ایبارولا، بگونیا. مهارت‌های زندگی (۱). ترجمه منا رونقی و مریم رونقی. صص ۱-۹۶. ۱۳۹۵. انتشارات مبتکران.
- باقری، خسرو. روش‌ها و فنون تدریس. صص ۱-۳۲۰. ۱۳۹۸. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. اهداف و شبکه مفهومی برنامه درسی مطالعات اجتماعی. صص ۱-۱۲۰. ۱۳۹۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. صص ۱-۳۹۰. ۱۳۸۸. انتشارات آگاه.
- فلاحیان، ناهید؛ آرام، محمدباقر؛ نادری، مریم؛ احمدی، آمنه. روش آموزش مطالعات اجتماعی. صص ۱-۲۴۰. ۱۳۹۱. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی. صص ۱-۳۲۰. ۱۳۹۰. نشر ایران‌زمین.
- کرپندورف، کلوس. تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی. ترجمه هوشنگ ناییبی. صص ۱-۳۸۰. ۱۳۹۳. نشر نی.
- ملکی، حسن. سی مهارت زندگی ویژه نوجوانان و جوانان. صص ۱-۲۲۰. ۱۳۸۶. نشر آبیژ.
- محمدخانی، شهرام؛ نوری، ربابه؛ موتابی، فرشته. مهارت‌های زندگی: مهارت‌های رفتاری، ویژه دانش‌آموزان. صص ۱-۲۸۰. ۱۳۹۵. انتشارات طلوع دانش.
- پوشش‌دوست، فیروزه؛ رضازاده بهادران، حمیدرضا. مهارت اجتماعی، زندگی آینده: تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم متوسطه براساس مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در قرن حاضر. صص ۷۸-۸۵. ۱۳۹۷. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

منابع انگلیسی

- Brush, K. E., Jones, S. M., Bailey, R., Nelson, B., Raisch, N., & Meland, E. Social and Emotional Learning: From Conceptualization to Practical Application in a Global Context. pp. 43–71. 2022. Springer.
- DeJaeghere, J., & Murphy-Graham, E. Life Skills Education for Youth: Critical Perspectives. pp. 1–276. 2022. Springer.
- DeJaeghere, J. Reframing Life Skills: From an Individualistic to a Relational Transformative Approach. pp. 73–90. 2022. Springer.



- Murphy-Graham, E., & Cohen, A. K. Life Skills Education for Youth in Developing Countries: What Are They and Why Do They Matter? pp. 13–41. 2022. Springer.
- Schmidt, D. Concluding Thoughts on Life Skills Education for Youth. pp. 267–276. 2022. Springer.
- World Health Organization. Life Skills Education for Children and Adolescents in Schools: Introduction and Guidelines to Facilitate the Development and Implementation of Life Skills Programmes. pp. 1–49. 1997. World Health Organization.